

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٧٥١٩



دانشگاه سیستان و بلوچستان
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در (تاریخ ایران اسلامی)

عنوان:

بررسی تحولات سیاسی ایل بویراحمد در دوره پهلوی

استاد راهنما:

دکتر محمد رضا فراهانی

استاد مشاور:

دکتر عباسعلی آذرنیوشه

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۴

تحقیق و نگارش:

حمید پوردیان

(این پایان نامه از حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان برخوردار گردیده است)

تیر ماه ۸۷

۱۰۷۵۱۹

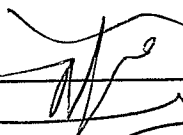
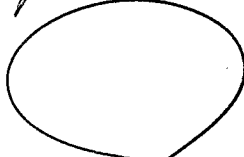
بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان: تحولات سیاسی ایل بویر احمد در دوره پهلوی قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد. تاریخ ایران در دوره اسلامی توسط دانشجو حمید پوردیان تحت راهنمایی استاد پایان نامه دکتر محمد رضا فراهانی تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

(نام و امضاء دانشجو)

حمید پوردیان

این پایان نامه ... ۴... واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ... توسط هیئت داوران بررسی و درجه ... به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما: دکتر محمد رضا فراهانی		۱۷/۴/۳۰
استاد راهنما:		
استاد مشاور:	دکتر عباسعلی آذر نپوشه	۱۷/۴/۳۰
داور ۱:	دکتر علی اکبر کجباف	۱۷/۴/۳۰
داور ۲:	دکتر عباس سرافرازی	۱۷/۴/۳۰
نماینده تحصیلات تکمیلی:	دکتر محمد علی زهرزاده	۱۷/۴/۳۰



دانشگاه سیستان و بلوچستان

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب حمید پوردیان تأیید می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: حمید پوردیان

امضاء

سپاسگزاری

اینک که با توفیق خداوند منان این رساله به پایان آمده است و می بینم که سراسر آموختن بوده و من این آموختن ها را بعد از پروردگار عالم مدیون اساتید بزرگوار گروه تاریخ دانشگاه زاهدان ، که هم در مقطع کارشناسی و هم در مقطع کارشناسی ارشد ، افتخار شاگردی آنها را داشتم ، هستم که سعه صدر و بصیرت علمی و فضائل انسانی از خصوصیات بارزشان بوده است.

ولازم میدانم که از لطف و مساعدت و راهنمایی استاد معزز، دکتر محمد رضا فراهانی که راهنمایی این رساله را قبول و در این ایام بزرگواری و حوصله این جانب را رهین منت خویش نمودند، تشکر و سپاسگزاری نمایم. و هم چنین از استاد مشاور ، دکتر عباسعلی آذرنیوشه که با دقت توأم با لطف اینجانب را یاری دادند کمال تشکر را دارم. بدیهی است که هر گونه ضعف و کاستی در نگارش این رساله بر عهده اینجانب است ، و هم چنین لازم است که تشکر و امتنان خود را از همکاری ، عطا طاهری ، محمدکریم جانی پور ، حسن حسینی موردرازی ، کشواد سیاهپور، و وحید جانی پور ، که همواره زحمات اینجانب را متقبل شدند ، نمایم .

و جا دارد که از همکاری و صبر و حوصله همسر مهربانم ، که انگیزه ای مضاعف در جمع آوری این مطالب به من دادند کمال تشکر و قدر دانی بنمایم.

و در نهایت از خداوند منان توفیق و سرافرازی این عزیزان و تمامی خدمتگذاران به جامعه علمی و فرهنگی را مسالت دارم.

تقدیم بہ روح پنج شہید طائفہ سرکوهلی

شہید بشارت پوردیان

شہید رحمت دانشی

شہید جعفر خشان

شہید علی جان جعفری مذہب

شہید محمد عزت خواہ

چکیده

در دوره‌ی قدرت‌گیری حکومت پهلوی، اقدامات زیادی در جهت سرکوب ایلات به ویژه ایل بویراحمد انجام گرفت که از مهم‌ترین این اقدامات، سیاست‌های عشایری بود که در قبال عشایر به ویژه عشایر بویراحمد به کار گرفت و این سیاست‌ها و اقدامات دولت پهلوی در جامعه کوچ نشینی ایرانی به ویژه ایل بویراحمد موجب تحولات مهمی از جمله سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی گردید.

و آنچه این رساله در اجرای سیاست‌ها و اقدامات دولت پهلوی در قبال ایل بویراحمد تکیه میکند، فقط بررسی تحولات سیاسی بوده که در نتیجه اقدامات و سیاست‌های دولت پهلوی در برخورد با ایل بویراحمد به وجود آمده می‌باشد.

در این رساله برای بررسی تحولات سیاسی ایل بویراحمد ابتدا لازم بود اشاره‌ای به ساختار سیاسی و اجتماعی ایل و شکل‌گیری ایلات شود و بعد از آن به معرفی ایل بویراحمد و چگونگی شکل‌گیری این ایل پرداخته شود.

و بخش مهم دیگر این رساله، بررسی تحولات سیاسی و رخدادهای سیاسی است که ایل بویراحمد با دولت پهلوی در نتیجه سیاست‌های پهلوی (اول و دوم) داشته‌اند. در این رساله به بررسی تحولات سیاسی ایل بویراحمد در دولت پهلوی می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: ایران، ایل بویراحمد، تحولات سیاسی، دولت پهلوی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ط	چکیده
۱	مقدمه
فصل اول : ساختار اجتماعی و سیاسی ایل	
۵	۱- سابقه موضوع
۷	۲- ساختار اجتماعی و سیاسی ایل
۹	۳- شکل گیری ایلات
۱۱	۴- واژه « کی » پارسی
فصل دوم : معرفی ایل بویر احمد	
۱۵	۱- موقعیت جغرافیایی و سیاسی ایل بویر احمد
۱۷	۲- وجه تسمیه بویر احمد
۱۷	۳- پیشینه نژادی و تاریخی ایل بویر احمد
۲۴	۴- گویش مردم ایل بویر احمد
۲۴	۵- مذهب و باورهای ایل بویر احمد
۲۵	۶- وضعیت اقتصادی ایل بویر احمد
۲۵	۷- ساختار طبقاتی و اجتماعی ایل بویر احمد
فصل سوم : شکل گیری و قدرت یابی ایل بویر احمد	
۲۹	۱- زمینه های شکل گیری ایل بویر احمد
۳۱	۱-۱- درگیری ایل بویر احمد با ایلات کهگیلویه
۳۸	۱-۲- حمله ایل بویر احمد به ایل بختیاری
۳۹	۱-۳- تحولات سیاسی ایل بویر احمد سردسیر(از ۱۲۷۲ تا ۱۲۸۹ هـ.ق)
۴۳	۱-۴- آزار و اذیت انگلیس ها توسط بویر احمدی ها
۴۵	۲- اوضاع بویر احمد در زمانی که بختیاری ها حکمرانی کهگیلویه را داشتند

صفحه	عنوان
۴۷	۳- نقش بختیاری ها در ایجاد اختلاف بین عشایر بویراحمد
۴۸	۴- بررسی سرکوب شیخ خزعل با تأکید بر ایل بویر احمد
فصل چهارم: ایل بویر احمد در زمان رضا شاه	
۵۶	۱- سیاستهای عشایری رضا شاه با تأکید بر ایل بویر احمد
۶۴	۲- تحولات سیاسی ایل بویر احمد در دوره های رضا شاه
۶۴	۲-۱- اشکال سرکوب ایل بویر احمد
۶۴	۲-۱-۱- استقرار قوای نظامی و انتظامی توسط رضا شاه
۶۴	۲-۱-۲- اسکان اجباری
۶۹	۳- جنگ دورگ مدو (۱۳۰۷ ه. ش)
۷۴	۴- جنگ تا مرادی
۸۴	۵- تأثیر کشف حجاب بر بویراحمد
فصل پنجم: تحولات سیاسی ایل بویر احمد در دوره محمد رضا شاه	
۸۸	۱- تحولات سیاسی بویر احمد در دوره تاریخی (۲۴- ۱۳۲۰ ه. ش)
۸۸	۱-۱ دوره شاه گردش - (۱۳۲۰ ه. ش)
۹۱	۱-۲ جنگ حنا
۹۲	۱-۳ جنگ سمیرم
۹۵	۲- تحولات سیاسی ایل بویر احمد در دوره تاریخی (۴۱- ۱۳۲۵)
۹۵	۲-۱ نقش ایل بویر احمد در نهضت جنوب ۱۳۲۵
۹۶	۲-۲ جنگ بویراحمدیها با قشقایی ها
۱۰۰	۲-۳ بویر احمد از نهضت مقاومت جنوب تا دو دستگی ایل ۱۳۳۰
۱۰۷	۲-۴ خلع سلاح بویر احمد
۱۰۸	۲-۵ اقدامات اجتماعی و اقتصادی
۱۱۴	۳- تحولات سیاسی ایل بویر احمد در دوره تاریخی (۵۷- ۱۳۴۲)
۱۱۴	۳-۱ احضار سران بویر احمد به تهران

صفحه	عنوان
۱۱۵	۳-۲- گردهمایی خوانین بویر احمد و آغاز قیام
۱۱۹	۳-۳- بمباران هوایی گردهمایی دروهان و خلع سلاح پاسگاه توت نده
۱۲۱	۳-۴- نبرد گجستان
۱۲۸	۳-۵- اقدامات عملی و تبلیغی رژیم
۱۲۹	۳-۶- دیدار کدخدایان بویر احمد باشاه
۱۳۰	۳-۷- قتل عبد اله خان ضرغام پور
۱۳۲	۳-۸- روابط مسالمت آمیز خوانین و دولت
۱۳۳	۳-۹- نگاهی به اقدامات سیاسی دولت مرکزی از ۴۲ به بعد
۱۳۹	نتیجه گیری کلی
۱۹۱	منابع و ماخذ
۱۶۹	ضمائم
۲۰۴	چکیده انگلیسی

مقدمه

بررسی تحولات سیاسی ایل بویراحمد، علاوه بر اینکه کوششی است برای شناساندن یک منطقه، گامی در جهت تکمیل تاریخ تحولات سیاسی کشور است.

کشور ایران به لحاظ جمعیت و جغرافیایی دارای چند گونه‌ی قومی می‌باشد. اقوام مختلفی با ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی متفاوت در مناطق جغرافیایی مختلف، مجموعه واحد سیاسی بزرگی به نام ایران را تشکیل داده‌اند. بررسی تاریخ تحولات چنین کشوری بدون بررسی تحولات مناطق تشکیل دهنده‌ی آن کامل نخواهد بود. به همین دلیل، توجه به تاریخ اختصاصی مناطق تشکیل دهنده‌ی کشور ضروری است.

منطقه بویراحمد بخش کوچکی از سرزمین پهناور کشور ماست اما گذشته‌ای پرماجرا و تاریخی پر حادثه و تحولات بسیار زیادی داشته است، که این منطقه به رغم پیشینه‌ی درخشان، در زمینه‌ی تاریخ نگاری اغلب حوادث آن در تاریخ ثبت نشده و جایگاه و اهمیت این منطقه در تاریخ ایران از چشم و قلم تاریخ نگاران دور مانده و یا به صورت بسیار جزئی در حاشیه سایر حوادث و تحولات کشور مورد اشاره قرار گرفته است. اما هنگامی که مردم این منطقه در برابر ستم‌های حکام، قراز می‌گرفتند دست به قیام‌هایی می‌زدند که دولت‌های وقت آنها را یاغی می‌نامیدند و سرکوبشان می‌کردند.

در دهه‌ی اخیر تعدادی از پژوهشگران از منظر باستان شناسی، جمعیت شناسی و مردم شناسی، مطالعاتی در مورد بویراحمد انجام داده‌اند و همچنین برخی از افراد منطقه در مورد تاریخ این منطقه تألیفاتی داشته‌اند که این تألیفات و اقدامات خارج از تعصب طایفه‌ای و کاستی‌ها نبوده‌اند اما چون به روشن شدن وقایع کمک می‌کند بسیار درخور تقدیراند.

به هر حال با توجه به اینکه موضوع این رساله یک دوره‌ی تاریخی تحولات سیاسی بویراحمد از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ هـ.ش را در برمی‌گیرد طبیعی است که به سبب نحوه‌ی تاریخ نگاری پیشینیان و ثبت نشدن بسیاری از حوادث مربوط به این منطقه، این نوشته نیز نمی‌تواند به دور از کاستی باشد. مع‌الوصف در این مجموعه کوشش شده است فقط به بررسی تحولات سیاسی بویراحمد پرداخته و از ذکر مطالب تکراری و دیگر مسائل و تحولات تاریخ عمومی منطقه خودداری شود، در این پژوهش علاوه بر کتب تاریخی معتبر از اسناد موجود در «سازمان اسناد ملی»، مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر، مرکز اسناد انقلاب اسلامی بهره برده تا تأمل در آنها زمینه را برای تحقق بیشتر در تاریخ سیاسی این منطقه فراهم سازد. و همچنین مصاحبه‌هایی از شاهدان عینی در این پژوهش به عمل آمده، که از مطالب آنها به عنوان مطالب دسته‌اول، استفاده شد.

هدف از این تحقیق تبیین و بررسی اینکه، آیا درگیریها و برخوردهای جنگجویان عشایر بویراحمد با دولت مرکزی از روی طمع و کسب غنایم و یا جنگ افروزی فردی و جمعی بوده است یا خیر؟ و اینکه آیا درگیریها علیه رژیم پهلوی در راستای اهداف ملی و خواست طبقات اجتماعی می باشد.

اهمیت این تحقیق این است که عشایر به علت وسعت و اهمیتشان در ساختار اجتماعی، سیاسی ایران از تأثیر زیادی برخوردار بوده اند. شناخت تحولات آنها به ویژه بویراحمد از نظر سیاسی دارای اهمیت بسیار زیادی می باشد.

مطالب تحقیق در قالب پنج فصل تنظیم و تقسیم بندی شده است:

فصل اول: به بررسی جایگاه و ساختار سیاسی و اجتماعی ایل بویراحمد در فرهنگ سیاسی ایران پرداخته تا از این طریق چارچوب و زیرسازی ساختاری ایلی مشخص گردد که به روند تحقیق و شناخت درست ایل بویراحمد کمک نماید.

فصل دوم: در این فصل برای شناخت بهتر تحولات سیاسی به معرفی ایل بویراحمد از نظر جغرافیایی، موقعیت سیاسی، تاریخی و نژادی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی پرداخته شده است و در آخر فصل هم به تشریح وجه تسمیه ایل بویراحمد می پردازد.

فصل سوم: به چگونگی، شکل گیری و قدرت یابی ایل بویراحمد از اواخر زندیه و اوایل قاجاریه، و همچنین به اوضاع بویراحمد در زمانی که بختیارها حکمرانی کهگیلویه را داشتند می پردازد و در آخر این فصل هم به بررسی سرکوب شیخ خزعل با کمک ایل بویراحمد جهت شناختن سیاست های عشایری دوره پهلوی پرداخته شده است.

فصل چهارم: ابتدا به زمینه های روی کار آمدن رضاخان پرداخته سپس به سیاست های عشایری وی با تأکید بر ایل بویراحمد اشاره کرده و تحولات سیاسی ایل بویراحمد در ارتباط با دولت پهلوی از جمله جنگ معروف تنگ تامرادی بررسی شده است.

فصل پنجم: در این فصل اشاره ای به دوره ی هرج و مرج پس از رضاشاه یعنی دوره ی شاه گردش و بازگشت خوانین تبعیدی از تهران و سایر تحولات مهم دیگر از جمله جنگ سمیرم و نقشی که ایل بویراحمد در نهضت ملی صنعت نفت داشته و همچنین بررسی قیام و شورش مردم بویراحمد در نهضت جنوب که نهایتاً

منجر به جنگ گجستان شد که زمینه قیام و شورش ایلات کهگیلویه علیه رژیم پهلوی را فراهم کرد و در نهایت به پیروزی انقلاب اسلامی منجر شد می پردازد.

فصل اول

ساختار اجتماعی و سیاسی ایل

بنا به ضرورت تحقیق لازم گردید که ابتدا در مورد جایگاه و ساختار سیاسی و اجتماعی ایل در فرهنگ سیاسی ایران سیری مختصر داشته باشیم تا از این طریق مفاهیم و چارچوب زیر سازی ساختار ایلی مشخص گردد که به روند تحقیق درست در جهت معرفی ایل بویر احمد کمک کرده باشد. چون معمولاً ایلات از نظر ساختار قدرت سیاسی و اجتماعی مشابه یکدیگر هستند و باید چارچوب تعریف کلی از سابقه و مفاهیم جایگاه ایلی داشته باشیم در هر حال آنچه مسلم و معلوم است نیاکان و اجداد ایرانیان که بین ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سال پیش به این سرزمین مهاجرت کرده اند مردمی دامدار و کوچ نشین بوده و دارای نظام قبیله‌ای بوده‌اند. سازمان و تشکیلات اجتماعی و سیاسی ایلات و عشایر در دوران باستان با توجه به منابع اوستا (کتاب مقدس زرتشت) و غیره به ترتیب خانواده (نمانه) طایفه (ویس) و قبیله (زنتو) می‌باشد و دارای سلسله مراتب پذیرفته شده بود. « رؤسای خانواده‌ها رئیس تیره و رؤسای تیره‌ها رئیس قبیله را انتخاب می‌کردند رئیس قوم یا ولایت هم انتخابی بود »^۱.

تشکیل نظام قبیله ای در دوران باستان یک ضرورت لازم بوده است که نقش حکومتها را ایفا می‌کرده است. « نظام قبیله ای حتی پیش از آغاز کشاورزی و کوچ نشینی وجود داشته و متجاوز از دهها هزار سال سابقه دارد. این نظام ساخته و پرداخته دورانی است که هنوز دولت به معنای واقعی پدید نیامده بود و قبیله بزرگترین واحد اجتماعی به شمار می‌رفت»^۲

در نظام ایران باستان خانواده اساس و رکن جامعه بوده و پدر در این نظام نقش مهمی داشته، از جمله حفظ نسب خانواده و دفاع از خانواده و آیین مذهبی را به عهده داشته است. خانواده هایی که اساس یک طایفه را تشکیل می‌دادند معمولاً هم نژاد بودند و از میان آنها کدخدا (و اسپوهر) را انتخاب می‌کردند. تجمعی از طایفه ها قبیله را تشکیل می‌داده، که در رأس هر قبیله فردی به نام «کوی» رهبر قبیله را داشته است که در حکم پادشاه محسوب می‌گردید. و در منابع باستانی و شاهنامه عنوان پیوند «کی» برای پادشاهان به کار رفته است همانند کی گشتاسب، کی خسرو، کی قباد که به دوران کیانیان مربوط می‌باشد.^۳

۱- پیرنیا، حسن. آشتیانی، عباس اقبال، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه. تهران: حیدری، ۱۳۶۲، ص ۶۴

۲- امان الهی بهاروند، کوچ نشینی، ص ۱۷

۳- پیرنیا، حسن. آشتیانی، عباس اقبال، همان منبع، ص ۶۰

در ایران باستان به مردمانی که زندگی قشلاق و ییلاق داشته اند و کوچرو بوده اند « کُرد » گفته می شد و بعد از اسلام و آمدن اعراب مسلمان به ایران واژه عشایر که جمع عشیره می باشد و یک واژه عربی است وارد زبان پارسی گردید و به جای کُرد به کار رفته است.^۱

به هر حال با آمدن اعراب مسلمان و حمله مغولان به ایران مفاهیم جدیدی در مورد قبیله و عشایر در ادبیات اجتماعی ایران وارد گردید از جمله واژه ایل ، ایلخان ، خان که ترکی مغولی می باشند .

^۱- پیرنیا ، حسن . آشتیانی ، عباس اقبال ، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجار، ص ۶۴

۲- ساختار سیاسی و اجتماعی ایل

واژه ایل در سده هفتم هجری یعنی دوره مغول به جماعتی از مردم کوچنده و نیمه کوچنده با ساختار اجتماعی - سیاسی خاصی می گفتند. معادل واژگانی ایل (ترکی) و عشیره (عربی)^۱. پس ایل یک مفهوم مغولی می باشد که به معنی پیرو و مطیع به کار می رود یا یک سازمان سیاسی و اجتماعی می باشد که از تعدادی تیره و هر تیره شامل تعدادی طایفه و هر طایفه از تعدادی اولاد و هر اولادی از تعدادی خانواده تشکیل می شود. و به عبارتی «اتحادی از مردم که به صورت کاملاً مستقل و سازمان یافته شکل گرفته و یک خاقان در رأس آن قرار دارد. از این رو با چنین تعریفی، تقریباً نوعی معنای امپراتوری را در بر می گیرد»^۲.

هر ایلی به طور سنتی دارای ساخت اجتماعی مخصوص به خود است که شاخه بندی درون ایل بر اساس آن شکل گرفته، و اصول و زیر بنای شاخه بندی در ایلات بزرگ تقریباً یکسان می باشد. اما در هر ایل اصطلاحات خاصی برای تقسیمات شاخه های ایلی به کار برده می شود^۳.

به این ترتیب ساختار اجتماعی ایلات عبارت از: ایل - تیره طایفه - اولاد - خانواده می باشد.

اما چنین تعریفی در مورد ایل بویراحمد صدق نمی کند. طایفه زیرمجموعه ی تیره است و نامگذاری طوایف گاهی بر اساس جد و نیای مشترک می باشد. مانند طایفه اولاد میزاعلی که از نام میرزا علی گرفته شده است.

و مورد دیگر ممکن است طایفه به اسم مکانی نامگذاری شود مانند طایفه بابکانی که از نام بابکان اقتباس شده است.

هر فرد در جامعه ی ایلی وابستگی خودش را به تیره - طایفه و ایل - اولاد می داند، مشخصات و موقعیت سرزمین ایل را می شناسد و به قلمرو و حدود مرزهایش تعصب خاص دارد و تجاوز دیگران به قلمرو ایل را پاسخگو هستند.

و هر ایلی دارای سلسله مراتب قدرت و فرمانروایی سیاسی و نظامی می باشد که به صورت یک هرم فرض می شود در رأس هرم قدرت خان واقع می باشد و پس از خان کدخدا، ریش سفیدان و در پایین هرم، توده مردم عادی و معمولی قرار می گیرد. قدرت اصلی در چنین هرمی در اختیار خان بوده است معمولاً خانها ریشه شان به شاخه اصلی از ایل مربوط می شده است.

۱- شفقی، سیروس. مشخصات ایلات ایران. مجله هنر و مردم، ش ۹۰، ۱۳۴۹، ص ۲۲

۲- بلوکباشی، علی. دایره المعارف بزرگ اسلامی؛ تهران؛ مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۰، ۶۹۸

۳- صفی نژاد، جواد. عشایر مرکزی ایران. تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۸، ص ۷۳

«ساختار سیاسی یا ساخت قدرت در حیات هر ایلی وجود دارد که انعکاس آن در وجود شخص خان (سرپرست ایل) فعلیت می یافته ، تمامی ایلات ایران دارای رئیس و سرپرستی به نام خان بوده اند که قدرت آنان با سیاست و تصمیم گیری چنین فردی در رابطه مستقیم به ظهور می رسید»^۱

لقب ایلخان که یک واژه ی مغولی می باشد در دوره ی قاجاریه این لقب را به رؤسای ایلات جنوب می دادند اولین بار در ایل قشقایی رسمیت یافت و بعد در دوره ی ناصرالدین شاه لقب ایلخانی به کریم خان^۲ بویراحمدی داده شد و هر ایلخان دارای یک معاون اجرایی به نام ایل بیگی بود و رهبری کل بزرگ ایل در خانواده ایلخان و ایل بیگی موروثی بود و در این نظام ایلخان بالاترین مرجع تصمیم گیری به شمار می رفت.^۳

خان یا ایلخان در جایگاه ایلی به منزله ی پادشاه و حکومت در نزد توده ی ایل محسوب می شد و گاه صلح از خان انتظار می رفت چرا که خان هم قاضی بود و هم دادگاه ، و به هنگام اختلاف و کشمکش میان طوایف و تیره ها حتی افراد ایل ، در نقش یک قاضی به حل و فصل می پرداخت . قدرت خان در سایه ی اقتدار شخصی و نفوذ سنتی ، به طور ارثی فراهم می شد . خوانین بویراحمد همواره از وجود روحانیون برای کسب قدرت و مشروعیت خویش در میان ایل بهره می بردند ، هیچگاه افراد عشایر و روستایی به فکر برانداختن نهاد خانی نبوده اند و همواره در مقابل خوانین دیگر ، دولت یا درون ایل از او حمایت می کردند.^۴

به طور کلی آخرین مرحله فروپاشی ساختار سیاسی ایلات در ایران ، اجرای اصلاحات ارضی بوده که با هر نیت و هدفی انجام گرفته باشد به قدرت خوانین پایان داد .

و در گذشته « ایلخان هر ایل یک شاه بود و شاه ایران شاهنشاه ، ایلخان شورایی از نجبا تشکیل می دادند و در کنار شاهنشاه حکومت می کردند ایلات به شاهنشاه مالیات می پرداختند و برای سپاه ایران نیرو تدارک می دیدند . اما هر ایل تا حد زیادی و درواقع بیش از ایالت های مستقل کشور ما خود مختاری داشت.»^۵

۱- صفی نژاد ، عشایر مرکزی ایران ، ص ۸۰

۲- به ضمیمه مراجعه کنید (توضیحات)

۳- امان الهی بهاروند ، همان ، ص ۱۹۶

۴- به نقل از عطا طاهری (عضو اهل قلم یاسوج)

۵- ویلیام داگلاس نقل شده در : کتاب حمید احمدی ، ص ۱۹۱

۳- شکل‌گیری ایلات

ایل هویت متغیری دارد. عوامل و عناصر متعددی باعث پیوستگی و ایجاد ایل می‌شود و همانند معیارهای خویشاوندی، فرهنگی، سرزمین و منافع مشترک، همبستگی سیاسی در جهت منافع، جنگ‌های محلی و مهاجرت، ائتلاف امنیتی و ترس از مخالفان دولتی و مردمی، اعتبار و افزایش قدرت گروه‌های خاص که هسته‌ی اولیه تشکیل ایل محسوب می‌شوند.^۱

«ایلات در ایران گروه‌هایی با بنیان خویشاوندی نبودند، بلکه ایجاد ایلات و اتحاد و ائتلاف میان آنها اساساً نتیجه روابط قدرت و استراتژیهای سیاسی بوده است.»^۲ پس در مورد شکل‌گیری ایلات نظریات متفاوتی وجود دارد و چنین تعریفی از ایجاد ایل دارای معیار واقع‌گرایانه است که تجربه‌ی تاریخی ایلات آن را اثبات می‌کند.

اما چنین تعریفی از تشکیل ایل نمی‌تواند همه‌ی معیارهای لازم در شکل‌گیری ایلات را بیان دارد. سریع‌القلم که از صاحب‌نظران سیاسی معاصر ایران می‌باشد به نوعی دیدگاه احمدی را تأیید می‌کند. «به قدرت رسیدن یک ایل به معنی حذف ایل دیگری بود که دوره‌ی رشد و پختگی و انحطاط خود را پشت سر گذاشته بود هر ایلی که به قدرت می‌رسید ایلات دیگر را با زور و ارباب‌زیر سیطره‌ی خود در می‌آورد.»^۳ درواقع هر دو اساس نظریه‌شان در مورد شکل‌گیری ایل، قدرت می‌دانند.

نورث محقق بلژیکی که در مورد ایلات ایران تحقیق کرده است اساس تشکیل ایل را منافع اکولوژیکی و دسته‌جمعی مشترک می‌داند که اعضای ایل در آن شریک می‌باشد.

«این منافع مشترک شامل دفاع از خود، جامعه، حقوق مربوطه به چراگاه‌های مشترک و ترتیباتی است که برای ایجاد سهولت و همکاری در مواقع کوچ‌های بزرگ صورت می‌پذیرد.»^۴

ابن خلدون^۵ با تعمق و دقت جامعه‌ایلاتی را بررسی کرده است عامل تشکیل ایلات را مبنای قومی و خویشاوندی می‌داند.

«امان‌الهی» هم شکل‌گیری ایل را مانند ابن خلدون قومی و خویشاوندی می‌داند.

۱- آذر پیوند، الله بخش. تحولات سیاسی کشور و جنگ گجستان. یاسوج: نشر جویل، ۱۳۸۴، ص ۲۶۶

۲- احمدی، حمید. قومیت و قوم‌گرایی در ایران. تهران: نشر نی، ۱۳۷۹، ص ۷۵

۳- سریع‌القلم، محمود. مبانی عشیره‌ای فرهنگ سیاسی ایران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی. ۶- ۱۳۵، ۱۳۷۷، ص ۳۵

۴- نورث نقل شده در: بهاروند امان‌الهی، کوچ‌نشینی ص ۱۷۷

۵- از صاحب‌نظران اولیه اسلامی در علوم اجتماعی، که در قرن هفتم هجری زندگی می‌کرد.

ساختار اجتماعی کوچ نشینان ایران به طور کلی بر اساس خویشاوندی و نظام پدر تباری استوار است. در نظام پدر تباری هویت فرد در رابطه با پدر تعیین می گردد. از این رو گروه های عمده ی تشکیل دهنده ی یک طایفه یا ایل طبعاً گروه های پدر تبار می باشند که اعضاء آنها خود را از نسل شخص معینی که بین سه تا چهل نسل پیش می زیسته است می دانند.^۱

پس دیدگاه امان الهی عینی ترین واقعیت زندگی کوچ نشینی ایلات بوده است که بر محور خویشاوندی استوار است و امروزه با وجود اینکه ساختار کلی ایلات از هم پاشیده است ولی بقایای زندگی ایلی چنین تفکری را تأیید می کند.

به اعتباری می توان گفت که ایل سازمان ویژه ی حکومتی عشایر است که قوانین آن بر عرف و مذهب مبتنی است به این معنا که چند واحد کلان عشایر که زیر فرمان رئیس واحدی با یکدیگر متحد شوند سازمان ایل را تشکیل می دهند این سازمان بر اثر عوامل مختلف، منسجم و یا متلاشی می شود^۲

در تاریخ ایران به ویژه دوران اسلامی به دلیل نبودن حکومت مرکزی مقتدر پس از دولت ساسانی، ایلات ایران در صحنه های سیاست و قدرت ظاهر شدند و اکثر حکومت های ایران را ایلات تشکیل دادند و یک رابطه مستقیم میان قدرت گیری ایلات و دست یابی به حکومت شکل گرفت.

«طایفه ها و جماعت های عشایری از دیرباز تا آغاز قرن کنونی یا حکومت را در دست داشته اند یا شریک و حامی حکومت بوده اند و یا مدعی و رقیب آن بوده اند»^۳ در واقع این ایلات بودند که حکومتها را تشکیل می دادند و یا زمینه سقوطش را فراهم می کردند.

«اغلب سلسله های محلی و دولت های ملی در ایران بعد از اسلام را گروه های ایلی بنیان نهاده اند، سلسله های بزرگی چون غزنویان، سلجوقیان، صفویه، افشاریه، زندیه، قاجاریه را رهبران ایلات پایه گذاری کردند.»^۴

در این رابطه نمونه های فراوانی وجود دارد، کریم خان زند از روسای ایل زند در زمانی که نادرشاه کشته شد توانست رقیبان قبیله ای و ایلی را شکست دهد و حکومت را به دست گیرد. آقا محمد خان قاجار رئیس ایل قاجار توانست خاندان زند را شکست دهد و پادشاه ایران گردد. خاندان صفوی که با اتحاد و قبایل هفت

۱- امان الهی بهاروند، کوچ نشینی، ص ۱۵۸

۲- غفاری، هیبت الله. ساختار اجتماعی عشایر بویر احمد. تهران: نشرنی، ۱۳۶۴، ص ۲۷

۳- کیانود، عزیز. حکومت، سیاست و عشایر. تهران: انتشارات عشایری، ۱۳۶۸، ص ۳۷

۴- احمدی، حمید، همان منبع، ص ۶۶